



Quarterly of Islamic Awakening Studies

Winter 2025. Vol 13. Issue 4

ISSN (Print): 2322-5645

Journal Homepage: <https://www.iabaj.ir>



Research Paper

The Model of Education of Intellect from the Perspective of the Holy Quran with Emphasis on the Educational Role of the Imam on the Ummah in Islamic Awakening

Seyed Saeid Hosseini Ramsheh^{*} 1, Mohammadhadi Mansuori², Reza Abravesh³

1. Student of Islamic Education, Qom University of Islamic Education, Iran
2. Assistant Professor, Department of Islamic Studies, University of Islamic Studies, Qom, Iran.
3. Assistant Professor, Department of Islamic Studies, University of Islamic Studies, Qom, Iran.

ARTICLE INFO

PP: 1-14

Use your device to scan and read
the article online



Keywords: *Quran, education of intellect, imam, ummah, Islamic awakening.*

Abstract

Intellect, as the most fundamental tool of guidance in Islamic thought, holds a special place in the Quran. The Quranic model of intellectual education plays an important role in Islamic awakening based on the relationship between the Imam and the Ummah, such that the effectiveness of this movement depends on this model. In fact, a comprehensive and effective explanation of intellectual education from the Quran's perspective serves as the spirit and framework of the Islamic awakening movement, as it explains the relationships between the Imam and Ummah on the axis of intellect. This research aims to explain the model of intellectual education from the Quran's perspective to facilitate its application in Islamic awakening movements and to explain and present the relationship between the Imam and Ummah on the axis of intellect. This research uses an interpretive-structural methodology to explain the components of intellectual education in a layered format. In this method, ten Quranic scholars participated in developing the self-interaction matrix. The enlightenment of intellect was positioned as layer level 1 and the deepest layer. This layer influences "intellectual truth-finding." The enlightenment of intellect also affects the third layer, which includes "intellectual truth-finding," "intellectual growth and development," and "intellectual perfection." All three components of the third layer, which are the most superficial layers, influence the second layer, "intellectual truth-finding." Therefore, the most influential layer in intellectual education from the Quran's perspective is "the enlightenment of intellect".

Citation: Hosseini Ramsheh, S. S., Mansuori, M. and Abravesh, R. (2025). **The model of education of intellect from the perspective of the Holy Quran with emphasis on the educational role of the Imam on the Ummah in Islamic awakening.** Journal of Islamic Awakening Studies, 13(4), 1-14.

* **Corresponding author:** Seyed Saeid Hosseini Ramsheh, **Email:** s_saeid_hosseini_r@yahoo.com

Copyright © 2025 The Authors. Published by basijasatid. This is an open access article under the CC BY license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

مقاله پژوهشی

الگوی تربیت عقل از منظر قرآن کریم با تأکید بر نقش تربیتی امام بر امت در بیداری اسلامی

سید سعید حسینی رامشه* - دانشجوی دکتری مدرسی معارف اسلامی گرایش قرآن و متون اسلامی، گروه معارف اسلامی، دانشگاه معارف

اسلامی، قم، ایران

محمد هادی منصوری - استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران

رضا ابروش - استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>شماره صفحات: ۱۴-۱</p> <p>از دستگاه خود برای اسکن و خواندن مقاله به صورت آنلاین استفاده کنید</p> 	<p>عقل بنیادی‌ترین ابزار هدایت در اندیشه اسلامی، جایگاه ویژه‌ای در قرآن دارد. ارائه الگوی قرآنی تربیت عقل نقش مهمی در بیداری اسلامی مبتنی بر رابطه امام و امت دارد. به طوریکه کارآمدی این جریان در گرو این الگو می‌باشد. در واقع تبیین جامع و کارآمد از تربیت عقل از منظر قرآن به مثابه روح و شاکله جریان بیداری اسلامی است، به طوریکه مناسبات بین امام و امت را بر مدار عقل تبیین می‌نماید. این پژوهش درصدد است تا با تبیین الگوی تربیت عقل از منظر قرآن زمینه کاربست آن در جریان‌های بیداری اسلامی را فراهم سازد و رابطه امام و امت را بر مدار عقل تبیین و ارائه نماید. (مسئله)؛ این پژوهش با استفاده از روش تفسیری-ساختاری تلاش دارد تا مؤلفه‌های تربیت عقل به صورت لایه‌ای تبیین شوند. در این روش ده نفر از نخبگان قرآنی، برای تدوین ماتریس خودتعاملی مشارکت داشتند. (روش)؛ تنویر عقل به عنوان لایه سطح یک و عمیق‌ترین لایه قرار گرفت. این لایه بر «حقی‌یابی عقل»، تأثیر می‌گذارد. تنویر عقل نیز بر لایه سوم یعنی «حق یابی عقل»، «رشد و سازندگی عقل» و «تکامل عقل» تأثیر می‌گذارد. هر سه مؤلفه لایه سوم که ربنائیت‌ترین لایه هستند بر لایه دوم یعنی «حقی‌یابی عقل» تأثیر می‌گذارند. بنابراین اثرگذارترین لایه در تربیت عقل از منظر قرآن «تنویر عقل» می‌باشد. (یافته‌ها).</p>

استناد: حسینی رامشه، سید سعید، منصوری، محمد هادی و ابروش، رضا. (۱۴۰۳). الگوی تربیت عقل از منظر قرآن کریم با تأکید بر

نقش تربیتی امام بر امت در بیداری اسلامی. فصلنامه علمی مطالعات بیداری اسلامی، ۱۳(۴)، ۱-۱۴.

مقدمه

با گذشت چندین قرن از استعمار مستقیم و غیر مستقیم کشورهای اسلامی و اشغال سرزمین های فلسطین و سیر تطوّر حیات اجتماعی مسلمین آهنگ بیداری اسلامی بیش از پیش شنیده می شود و کنش اجتماعی سیاسی عاقلانه برای آحاد مسلمانان یک ضرورت می باشد. لذا سوال این پژوهش این است که در متون دینی ما خاصه قرآن چه دستورات صریح یا ضمنی برای «تربیت عقل» داده شده است؟ آیا می توان از مضامین آن یک الگوی مدون تهیه کرد؟ آیا می توان آن الگوی مطلوب را در رابطه میان امام و پیشوای جامعه با امت خویش در جهت بیداری اسلامی بکار بست؟ بر اساس آثار دانشمندان فرض بر این است که عقل قابل تربیت است و مفسران معتقدند در قرآن برای رشد و سازندگی عقل و شکوفایی استعداد های عقلی و پرهیز از آفات آن رهنمودهایی وجود دارد و نیز فرض بر این است که تحول خواهان نهضت های اسلامی دو قرن اخیر که برخی رهبر و پیشوای جامعه خویش بودند همچون سید جمال الدین اسدآبادی، محمد عبده، میرزای نائینی، آخوند خراسانی، عمر مختار، شیخ احمد یاسین رمضان و دیگر تحول خواهان، قرآن کریم را دال مرکزی قیام خویش قرار داده و مهمترین انقلاب قرن با رهبری داهیان امام خمینی (ره) که مفسر قرآن نیز بود رخ داده است.

در این پژوهش که محوریت آن با الگوی تربیت عقل می باشد و هر تربیتی سه رکن دارد: مربی، متری، محتوای تربیتی، امام جامعه و رهبر نهضت به مثابه مربی است و امت به مثابه متری است لکن عقلاً و عرفاً امام به دلیل محدودیت نمی تواند تک تک افراد امت را مشار الیه قرار داده و تربیت کند اما می تواند با امکانات و ابزارهایی که دارد بدل از تربیت خرد فردی، خرد جمعی را تربیت و هدایت کند. در عصر حاضر که عصر تبادل سریع و پرحجم اطلاعات و دسترسی به انواع ابزارهای اثر گذاری و اثر پذیری انسان ها است، نوع حکمرانی تربیتی حاکم در آموزش و پرورش، رسانه، فرهنگ و هنر، آموزش عالی و ... بر یکایک افراد جامعه تأثیر گذار خواهد بود. رهبر جامعه اسلامی می تواند با ابزارها و روش های یاد شده امت اسلامی را از غفلت بیدار کند و سطح عقول ایشان را رشد دهد به طور نمونه امام خمینی (ره) در تمامی سخنرانی های خویش با خطاب قرار دادن آحاد ملت سعی بر برانگیختن آنان در مسیر بیداری اسلامی داشت و باز خورد آن سخنرانی بر روی افراد قابل مشاهده بود، مثلاً در سخنرانی های مختلف می فرماید: «بیدار باشید، خانمها بیدار باشید! آقایان بیدار باشید. مسائل شخصی خودتان را کنار بگذارید ...» بر خلاف مصلحان دیگر که از تربیت مردم غافل شدند و نهضت ایشان به سرانجام نرسید، مثلاً سید جمال در آخرین نامه خویش از زندان بابعالی، اسلامبول با حسرت می نویسد: «ای کاش من تمام تخم افکار خود را در مزرعه مستعد افکار ملت کاشته بودم [نه سلاطین و حاکمان]». شایان ذکر است با توجه به اهمیت نظریات امام خمینی (ره) و شهید مطهری در باب رابطه عقلانی امام و امت بیشتر از نظریات ایشان استفاده شده است.

۱. پیشینه پژوهش:

پیرامون این موضوع پیشینه های فراوانی وجود دارد که مهمترین از آنها بدین شرح است: کتاب «تربیت عقلانی از منظر قرآن کریم» از محمد احسانی پژوهشی در زمینه مبانی، اهداف، اصول، روش ها، عوامل، موانع و آثار تربیت عقلانی با رویکردی قرآنی است، کتاب «شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی» اثر آیت الله جوادی آملی است از چهره های باطن نهضت حسینی تفکر عقلی و عقلانیت نهفته در آن است از این منظر، نهضت حسینی مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته شده تا چهره باطنی نهضت که عقل و عقلانیت اصیل و مستحکم و تثبیت شده با مصباح وحی است، وضوح بیشتری یابد. کتاب «التربیه العقلیه» اثر علی عبدالحلیم محمود است کتابی است که برای باز شکافت تربیت عقل در اسلام، به کتاب و سنت استناد شده است. نگارنده، از آراء مریبان و فیلسوفان مسلمان در باب عقل و تربیت عقل نگفته است، در حوزه کاوش نقلی هم، تنها از منابع اهل سنت یاد کرده است. مقاله پژوهشی «مؤلفه های عقلانیت سیاسی مردم بر اساس نظام حق و تکلیف در نهج البلاغه اثر محمود کریمی، علیرضا دل افکار، رضا جعفری است در این مقاله کوشیده اند مؤلفه های حقوق زمامدار بر مردم را بر اساس نظام حق و تکلیف نهج البلاغه، معرفی نماید. بصیرت، ثبات، جهاد در راه خدا، مسئولیت اجتماعی، اطاعت و حمایت از زمامدار، بارزترین مؤلفه های

عقلانیت سیاسی مردم است که نهج البلاغه به دست می‌دهد. مقاله «بررسی و نقد کتاب کنش دینی و نوسازی عقل» از صبا فدوی است که نقد کتاب طه عبدالرحمان است که معتقد است بیداری اسلامی نیازمند پشتوانه فکری و نوسازی براساس تعقلی مبتنی بر تجربه معنوی و گذر از مراتب سه گانه عقل است. نویسنده مقاله با بررسی کتاب وی، نظریه مراتب سه گانه عقلانیت او را با دیدگاهی انتقادی بازبینی می‌کند و ... در وجه تمایز این مقاله با آثار ذکر شده باید گفت، در هیچکدام از آثار فوق سوال پژوهش تربیت عقل با هدف الگوسازی که مدلی تجویزی برای آحاد مردم باشد به خصوص امکان بهره بردن از آن الگو برای امام امت در مواجهه با امت نبوده است و این مهمترین وجه تمایز این نوشتار با پژوهش‌های فوق الذکر است.

۲. مفاهیم:

به دلیل اهمیت و اولویت در عنوان، مفاهیم الگو، عقل، تربیت، تربیت عقل و امام مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۲.۱. الگو:

الگو در لغت به سرمشق، مُقتدی، نمونه و ... تعریف شده است. (دهخدا، ۱۳۷۷: ۲۲۱) الگو شامل مجموعه‌ای از مفاهیم، فرضیات، قوانین و روابط است که از مبانی شروع و به غایات و اهداف واقعی و حقیقی ختم می‌شود. و نیز یک ابزار فکری است که به ما کمک می‌کند تا پدیده‌های علمی را به گونه‌ای منسجم و معنادار درک کنیم و در برخی موارد یک پل ارتباطی بین مفاهیم نظری و واقعیت‌های تجربی است. (نظری، ۱۳۹۵: ۱۱۷).

۲.۲. تربیت عقل:

عقل در لغت به معنای حبس کردن است. (ابن فارس، ۱۳۹۹: ۶۹) به معنای اجتناب و پرهیز نیز آمده است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۷۸). در اصطلاح قوه ای از قوای نفسانی است، که کار او تصور معانی و ترکیب قضایا و قیاسات است (ر.ک: صلیبا، ۱۳۶۶: ۴۷۲) اگر چه برخی قوه بودن عقل را نمی‌پذیرند و قائلند که از سر تسامح قوه نامیده می‌شود و گرنه عقل همان نفسِ مدرک انسان است (طباطبایی، ۱۳۷۳: ۴۰۵/۱). در دیدگاه فلاسفه عقل به دو قسم عقل نظری [مدرک] و عقل عملی [محرک] تقسیم می‌شود (سبزواری، ۱۴۱۷: ۳۱۰). «تربیت» در لغت از ریشه «رب و»، «ر ب ب» و از ریشه «ر ب ا» گفته شده است. به نظر می‌رسد با توجه به معنای رشد معنوی و پرورش انسان به گونه‌ای که به کمال معنوی برسد، تربیت از ریشه مضاعف «رب ب»، که به معنای «سوق دادن به سوی کمال» است اخذ شده است. (حسینی علایی و همکاران، ۱۴۰۰: ۶). در تعریف «تربیت عقل» تعریف مستقلی در باب تربیت عقل که یک ترکیب اضافی است [در بیشتر پژوهش‌ها از ترکیب اضافی تربیت عقلانی یعنی تعقل یاد شده است]، نیامده است.^۱

۲.۳. امام:

در کاربردی عام عبارت است از «حاکم» و «ولی مسلمانان (ولی فقیه)»، و این مفهوم در کاربرد بر پیامبران (ع) و جانشینان ایشان اطلاق می‌شود که از جانب خداوند به منصب امامت و ولایت رسیده‌اند. در این نوشتار با توجه به ظرف زمان بیداری اسلامی که یک مفهوم امروزی در تحولات اجتماعی سیاسی معاصر در جهان اسلام است. (ر.ک: حسینی رامشه، سروریان. ۱۴۰۰: ۶۳) مراد این نوشتار مفهوم عام واژه امام است. درباره ماهیت ولایت فقیه (امام خمینی، ۱۳۶۳: ۴۶۶/۲)، شرایط آن (حر عاملی، ۱۴۱۲، ۹۴/۱۸-۹۵) براهین عقلی و نقلی اثبات ولایت مطلقه فقیه (خمینی، ۱۴۰۹: ۹) مفصل بحث شده است که عبور می‌شود. و مراتبی از این مفهوم عام با تسامح بر رهبران عادل اهل سنت همچون شهید عمر مختار (م ۱۹۳۱) رهبر قیام لیبی و شهید شیخ یاسین رمضان (م ۲۰۰۴) و شهید شیخ اسماعیل هنیه (م ۲۰۲۴) از رهبران قیام فلسطین نیز قابل تسری است.

۱. با توجه به تعریف «تربیت اسلامی» (اعرافی، ۱۳۸۸: ۲۸/۱) با دخل و تصرف باید گفت: فرایند کمک و یاری رسانی به مرتبی برای ایجاد تغییر تدریجی در گستره زمان در ساحت عقل مرتبی که به واسطه مرتبی صورت می‌گیرد [مراد عامل انسانی است و گرنه اولین و بهترین مرتبی خداست] به منظور دستیابی وی به کمال انسانی و شکوفاسازی استعدادهای او یا بازدارندگی و اصلاح صفات و رفتار او که «تربیت عقل» گفته می‌شود.

۳. روش پژوهش:

ابتدا آیات برگزیده را جدا و سپس با روش توصیفی تحلیلی این آیات تحلیل شده و در نهایت نتایج بدست آمده را در قالب روش تفسیری-ساختاری (ISM)^۱ ریخته تا ماتریس دسترسی نهایی به دست آید که نشان‌دهنده تمامی روابط مستقیم و غیرمستقیم بین عناصر است و ساختار سلسله مراتبی و روابط بین عناصر به صورت گرافیکی نمایش داده می‌شود. روش تفسیری-ساختاری را با توجه به اینکه کمتر شناخته شده است و فرایند آن در این نوشتار مهمتر است کامل توضیح داده می‌شود.

۳/۱. روش تفسیری-ساختاری (ISM):

روش تفسیری-ساختاری (ISM)^۲ که توسط جان ان. وارفلد^۳ توسعه یافته است، یک روش شناخته‌شده برای تجزیه و تحلیل سیستم‌های پیچیده است. این روش بر اساس روابط متقابل بین عناصر یک سیستم کار می‌کند و به تفسیر ساختارهای پیچیده کمک می‌کند. (Sage, ۱۹۷۷, P. 110) و (Warfield, 1974, P. 15). در قرآن کریم واژه عقل و مشتقات آن ۶۹ بار به کار رفته است. و علاوه بر آن واژه‌های فکر (انعام(۶): ۵۰، نظر (حشر (۵۹): ۱۸، قلب، لبّ (بقره(۲): ۲۶۹، نُهیة (طه(۲۰): ۵۴، حجر (فجر(۸۹): ۵؛ برای نیل به هدف این پژوهش مهمتر از واژه عقل و شبیه به آن در قرآن، آیاتی است که با خبر، امر، نهی، تمثیل، قصه، استفهام و ... به صورت تلویحی بحث خرد و عقل را مطرح می‌نمایند. با تحلیل آیات برگزیده، پنج نماد: رهایی عقل، جهت یابی و تنویر عقل، حق یابی و داوری عقل، رشد و سازندگی عقل، تکامل عقل، بدست آمدن که فرایند تحلیل آیات و شرح آنان در ادامه از صفحه ۸ الی صفحه ۱۴ این نوشتار خواهد آمد. این پنج نماد در قالب ماتریس خود تعاملی ریخته می‌شود که بدین شرح است:

۳/۲. ماتریس خودتعامل ساختاری (SSIM):

ماتریس خودتعامل ساختاری (SSIM)^۴ یکی از ابزارهای کلیدی در روش تفسیری-ساختاری (ISM) است. روابط بین عناصر به صورت یک ماتریس خود-تعامل ساختاری (SSIM) نمایش داده می‌شود. در SSIM، هر عنصر سیستم به عنوان یک سطر و یک ستون در نظر گرفته می‌شود و روابط بین آن‌ها با استفاده از نمادهای ویژه‌ای نشان داده می‌شود: این ماتریس یک ماتریس به ابعاد است که در سطر و ستون اول آن، گامها به ترتیب ذکر می‌شود. گامهای به دست آمده به منظور ایجاد ماتریس خود تعاملی در قالب پرسش نامه ای برای تعدادی از خبرگان ارسال شد. برای تعیین نوع رابطه‌ها از نمادهای (A, V, X, O) استفاده می‌شود. اگر عامل سطر، منجر به رسیدن به عامل ستون شود و یا در این راه زمینه ساز باشد، از نماد V استفاده می‌نماییم، ولی اگر عامل ستون، منجر به رسیدن به عامل سطر شود و یا در این راه زمینه ساز باشد از نماد A استفاده می‌نماییم. اگر رابطه دو طرفه باشد و هر دو در رسیدن به همدیگر، کمک کار باشند، از نماد X استفاده می‌نماییم. در نهایت هم، اگر دو عامل مورد مقایسه هیچ ارتباطی با هم نداشتند از نماد O استفاده می‌نماییم. در این پژوهش فرم خام مطابق آنچه که توضیح داده شد به ده نفر از نخبگان علوم اسلامی که همگی از اعضای هیأت علمی دانشگاه بودند^۵ عرضه گردید و از ایشان خواسته شد تا با توجه مطالعات عمیق قرآنی خویش مطابق با الگو روابط این مفاهیم را بیان کنند که در نهایت ده فرم مطلوب جمع بندی شد و ماتریس ذیل متولد گردید:

ماتریس شماره ۱: خود تعامل ساختاری

- 1 . Interpretive Structural Modeling.
- 2 . Interpretive Structural Modeling.
- 3 . John N. Warfield.
- 4 . Structural Self-Interaction Matrix.

۵ . آقایان دکتر عشایی (قرآن پژوه)، مطهری (حدیث پژوه)، اعضای هیأت علمی جامعه المصطفی (ص)، دکتر سروریان (متخصص کلام و فلسفه) عضو هیأت علمی دانشگاه حضرت معصومه (س)، دکتر منصوری (قرآن پژوه) عضو هیأت علمی دانشگاه معارف اسلامی و دیگران از اعضای جامعه نخبگانی این مطالعه بوده اند.

سطر (i)/ستون (j)	رهایی عقل	اتجاه و تنویر عقل	حق یابی عقل	سازندگی و رشد عقل	تکامل عقل
رهایی عقل	X	X	V	X	X
جهت دهی و تنویر عقل	X	X	V	V	V
حق یابی عقل	A	A	X	X	X
سازندگی و رشد عقل	X	A	X	X	X
تکامل عقل	X	A	X	X	X

۳,۳. ماتریس دستیابی (دسترسی نهائی):

در مرحله بعد تحلیل SSIM که بعد از تشکیل SSIM، مراحل گفته شده برای تحلیل و تبدیل این ماتریس به ماتریس دسترسی^۱ و سپس به نمودار ISM دنبال می‌شوند و بعد از آن تبدیل SSIM به ماتریس دسترسی که در این مرحله، SSIM به یک ماتریس دوتایی^۲ تبدیل می‌شود که در آن، روابط V, A, X و O به اعداد ۰ و ۱ تبدیل می‌شوند. بعد از جمع بندی و نتیجه گیری مفاهیم و جانمایی هر نماد در خانه مختص به خود مطابق آنچه که گفته شد امتیاز هر نماد داده شد که به شرح ذیل است:

ماتریس شماره ۲: دستیابی

سطر (i)/ستون (j)	رهایی عقل	اتجاه و تنویر عقل	حق یابی عقل	سازندگی و رشد عقل	تکامل عقل
رهایی عقل	۱	۱	۱	۱	۱
جهت دهی و تنویر عقل	۱	۱	۱	۱	۱
حق یابی عقل	۰	۰	۱	۱	۱
سازندگی و رشد عقل	۱	۰	۱	۱	۱
تکامل عقل	۱	۰	۱	۱	۱

۳,۴. تعیین روابط و سطح بندی:

در گام سوم ماتریس دسترسی نهایی به دست می‌آید که نشان‌دهنده تمامی روابط مستقیم و غیرمستقیم بین عناصر است. به سراغ مجموعه دستیابی، مجموعه پیش نیاز، عناصر مشترک رفته و در نهایت سطح بندی می‌شود. در این مرحله عناصر مشترک در هر دو مجموعه شناسائی و در ستون مخصوص عناصر مشترک درج می‌گردد؛ وقتی این کار برای تمام مفاهیم انجام شد آن مفاهیم که تعداد مجموعه دستیابی با عناصر مشترک آنها برابری دارد، به عنوان سطح اول انتخاب می‌شوند. سپس آن مفاهیم که به عنوان سطح نخست انتخاب شده اند، در مرحله بعد، از ذکر آنها در جدول طبقه بندی خودداری می‌شود؛ به عبارت دیگر، وقتی سطوح اول انتخاب شدند، مجدداً همین فرایند انجام می‌شود با این تفاوت که مفاهیم که به عنوان سطح نخست برگزیده شدند، از فرایند تعیین مجموعه پیش نیاز در دور دوم حذف میشوند؛ این فرایند، آنقدر ادامه پیدا کند تا جایی که همه ی مفاهیم الگو تربیت عقل از منظر

¹ . reachability matrix.

² . binary matrix.

قرآن کریم تعیین سطح شوند. اینکه مفاهیم به چه صورتی سطح بندی شوند، بستگی به دیدگاه خبرگان دارد. به عبارت دیگر، پژوهشگر در تعیین سطح مفاهیم، هیچ گونه دخالتی ندارد، که بدین شرح است:

ماتریس شماره ۳: تعیین روابط و سطح بندی

عناصر	مجموعه دستیابی	مجموعه پیش نیاز	عناصر مشترک	سطح
۱	۵،۴،۳،۲،۱	۵،۴،۲،۱	۵،۴،۲،۱	۱
۲	۵،۴،۳،۲،۱	۲،۱	۲،۱	۳
۳	۵،۴،۳	۵،۴،۳،۲،۱	۵،۴،۳	۲
۴	۵،۴،۳،۱	۵،۴،۳،۲،۱	۵،۴،۳،۱	۱
۵	۵،۴،۳،۱	۵،۴،۳،۲،۱	۵،۴،۳،۱	۱

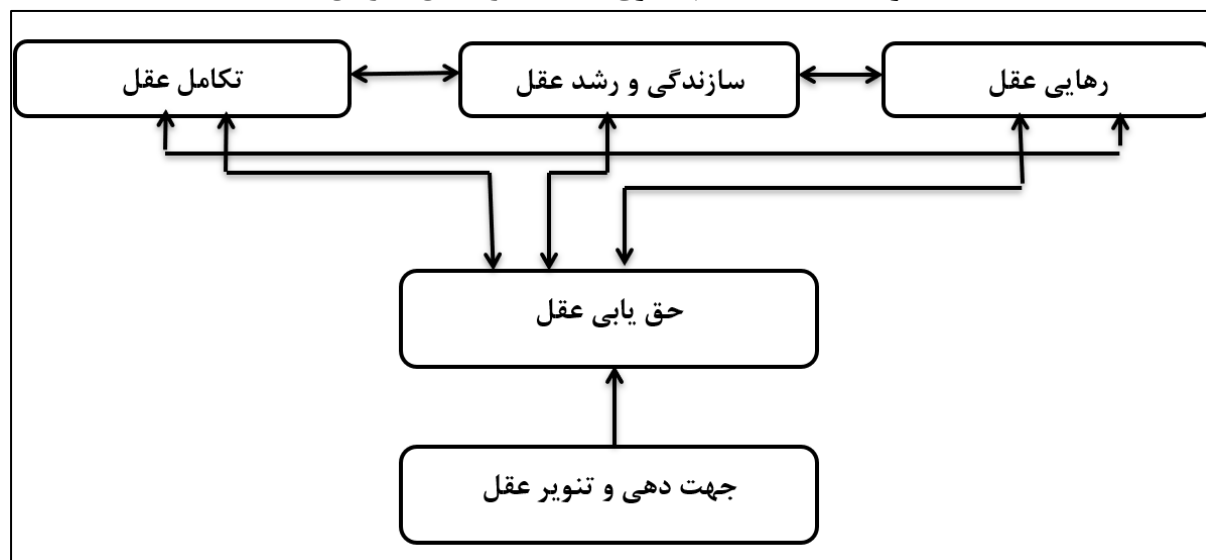
۴. یافته های پژوهش:

بعد از آنکه نمودار ISM ترسیم شود از آنجایی که پنج عامل ذکر شده که در ماتریس ریخته شد از اهمیت یافته های این پژوهش است ابتدا روند تحلیل آیات که بر تربیت عقل دلالت دارد نشان داده می شود. به نظر می رسد این پنج مفهوم یا عامل دستاورد تحلیل همه ۶۹ آیه برگزیده است که اینجا فقط پنج آیه ارائه می شود.

۴.۱. رسم نمودار:

در پایان؛ ترسیم نمودار ISM که با استفاده از ماتریس دسترسی نهایی، نمودار ISM ترسیم می شود که ساختار سلسله مراتبی و روابط بین عناصر را به صورت گرافیکی نمایش می دهد:

نمودار شماره ۱: رسم سطوح و روابط بر اساس ماتریس ها



در توضیح نمودار شماره ۱ باید گفت: پس از روند نماد گذاری ماتریس خود تعاملی تربیت عقل توسط نخبگان قرآنی و نمره دهی ۰ و ۱ به نمادها و جمع بندی همه ماتریس ها و میانگین گیری در سطوح این الگو بدست آمد که به ترتیب سطح روبنایی شامل رهایی عقل، سازندگی و رشد عقل و تکامل عقل است و سطح میانی شامل حق یابی و داوری عقل است و سطح زیرین شامل جهت دهی

و تنویر عقل می‌باشد. که توضیح و تبیین روند تحلیل آیات و چگونگی ارتباط این نمادها با تربیت مربی یا امام و نسبت آن با بیداری اسلامی در ذیل آمده است:

۴, ۲. سطح روبنایی الگوی تربیت عقل

این سطح سه نماد دارد که به شرح ذیل است:

۴, ۲, ۱. رهایی عقل:

مراد اموری است که عامل اسارت، تضعیف و مرگ نیروی خرد می‌شود، مانند: پیروی از هوای نفس (جائیه (۴۵): ۱۸)، عشق افراطی [خطر عشق و وابستگی های دروغین] (توبه (۹): ۲۴؛ بقره (۲): ۱۶۵)، خودباختگی [مرعوبیت] (یوسف (۱۲): ۳۹؛ زمر (۳۹): ۲۹)، صفات رذیله (انفال (۸): ۳۲) و شواهد دیگر: قصص (۲۸): ۶۰ و ۶۱؛ نمل (۲۷): ۵۹ - ۶۴ و آیه «وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ ... ذَلِكُمْ وَصَّاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْلَمُونَ» و نزدیک کارهای زشت نروید.... این چیزی است که خداوند شما را به آن سفارش کرده، شاید درک کنید». (انعام (۶): ۱۵۱). فحشاء به عمل بسیار زشت گفته می‌شود و خدای متعال نهی از آن نموده زیرا اگر تحریم نمی‌شد زشتی آن از بین می‌رفت و نفس انسان بگونه ای است که به سرعت به سمت فحشاء کشیده می‌شد. (طباطبایی، ۱۳۷۳: ۳۷۵/۷)، از مهمترین عوامل اسارت و تضعیف عقل پیروی از هوای نفس است. (مطهری، ۱۳۸۹: ۷۱۷/۲۳)، امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «اَكْثَرُ مَصَارِعِ الْعُقُولِ تَحْتَ بُرُوقِ الْمَطَامِعِ؛ هوای نفس و برق طمع بیشترین لغزشگاه عقول انسان هاست» (سید رضی، ۱۳۷۹: ۳۴۸). تحلیل آیه ۱۵۱ سوره انعام چند نکته دارد: ۱. تحریم فواحش: آیه به ما امر می‌کند که عقل را از تفکر در فواحش (مثل زنا، لواط، مفسدات و غیره) آزاد و رها کنیم. علاوه بر هوای نفس که شیطان نیز دشمن عقل است (بقره (۲): ۲۶۸) و اندیشه های شیطانی طواغیت نیز سعی بر مرگ عقل دارند حاکمان طاغوت همواره با ترویج فحشا در میان مردم و آلوده سازی ایشان به این رذائل سعی بر آن داشتند تا زمینه های اسارت ایشان را ابتدائاً با اسارت عقل آنان فراهم نمایند که این دقیقاً جریان مقابل انبیاء است. ۲. عبرت گیری: در آیه توصیه شده است برای تعقل، ابتدا معصیت را شناخته و سپس از آن دوری نماییم. علت مخالفت شدید خداوند با فحشاء فروپاشی اخلاقی خانواده و جامعه است. ۳. نقش رهایی عقل در رابطه میان امام و امت: آیه به معیار اخلاقی اشاره دارد که عقل را در مسیری صحیح قرار داده و از هوای نفس و وسوسه های شیطانی باز می‌دارد. مطابق با عنصر «رهایی عقل» که در سطح روبنایی الگوی تربیت عقل جای گرفت، مربی یا امام باید تلاش تربیتی خویش را بکار بندد تا آنچه که عامل اسارت، تضعیف و مرگ نیروی خرد جامعه می‌شود را رفع کند حکمرانی تربیتی وی می‌تواند بگونه ای باشد که یکایک امت بهره مند شوند و امت نیز باید با امام خویش پیوندی ایمانی و از سر محبت برقرار کنند که اگر رابطه ای غیر از این صورت گیرد مبنای آن دنیاطلبی است که یا بدلیل دفع ضرر است که ریشه اش ترس است یا جلب منفعت که ریشه اش خودخواهی است مانند آنچه در قالب مشاغل امروزی است چیزی شبیه به کارفرما و کارگر که در دو مورد اخیر، رابطه آسیب جدی خواهد دید. (ابراهیمی کیایی و همکاران، ۱۴۰۳: ۳۵)، برائت از دشمنان امام، فرمان پذیری از وی و ... نیز در راستای رهایی عقل است. (همان) در بیداری امت و بیداری اسلامی خرد فردی و خرد جمعی بسیار مهم است بهنگام بودن تصمیم و سرعت آن برای امت منوط به باورمندی به رهبر جامعه و نهضت و باورمندی به وی و توانایی وی می‌باشد. همانگونه که قرآن کریم مهمترین شاخص رهبر جامعه را تقوا و بندگی خداوند می‌داند و می‌فرماید: بندگان خاص خدا (عباد الرحمن) تقاضای پیشوایی و رهبری از خداوند دارند (فرقان (۲۵): ۶۳-۷۴) امت نیز با دیدن این صفات و سجایا و باورمندی و اعتماد به ایشان برای نیل به هدف غایی برپایی نهضت آمادگی دارند در جایی که لازم باشد از جان و مال خویش نیز در زمان مقتضی و مکان مناسب گذر کنند. که یاری رسانی نابهنگام ممکن است موجب هدر رفت جان و مال باشد مانند قیام توأبین که در هنگامه قیام سیدالشهداء (ع) رخ نداد و با وجود شهادت همه مجاهدین توأب بی اثر ماند.

۴, ۲, ۲. سازندگی و رشد عقل:

در قرآن توصیه‌هایی برای رشد عقل شده است اموری مانند: پیروی از انبیاء (اعراف (۷): ۱۵۷)، تذکر به خوف و خشیت از خدا (رعد (۱۳): ۱۹-۲۱) و (اعلی (۸۷): ۹-۱۱)، بصیرت (آل عمران (۳): ۱۳) و (نور (۲۴): ۴۴)، حزم (دوراندیشی)، تفکر، تفقه و ... آیه «قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ قُلْ أَفَاتَّخَذْتُمْ مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ لَا يَمْلِكُونَ أَنْفُسَهُمْ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَ الْبَصِيرُ أَمْ هَلْ تَسْتَوِي الظُّلُمَاتُ وَالنُّورُ أَمْ جَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ خَلَقُوا كَخَلْقِهِ فَتَشَابَهُ الْخَلْقُ عَلَيْهِمْ...» بگو: «چه کسی پروردگار آسمانها و زمین است؟» بگو: «اللَّهُ!» (سپس) بگو: «آیا اولیا (و خدایانی) غیر از او برای خود برگزیده‌اید که (حتی) مالک سود و زیان خود نیستند (تا چه رسد به شما؟)» بگو: «آیا نابینا و بینا یکسانند؟ یا ظلمتها و نور برابرند؟ آیا آنها همتایانی برای خدا قرار دادند بخاطر اینکه آنان همانند خدا آفرینشی داشتند، و این آفرینشها بر آنها مشتبّه شده است...» رعد (۱۳): ۱۶. بر سازندگی و رشد عقل اشاره دارد. برخی مفسران معتقدند مشرکان به توحید در الوهیت معتقد بودند و مشکلشان با رسول الله (ص) و قرآن در توحید ربوبی بود که خداوند به عقول ایشان تلنگر می‌زند که چرا نمی‌اندیشند؟ آیا کسی که خالق است و همه امور را بدست دارد نمی‌تواند ربّ باشد و مخلوقات ناتوان می‌توانند ربّ شما باشند! (طباطبایی، ۱۳۷۳: ۱۱/۴۴۵)، به نظر می‌رسد از دلایل جهل به ربوبیت خدا حسگرایی مشرکان باشد در قرآن آمده است آنان بتان را با اینکه با دست خود به وجود می‌آوردند چون با چشم ظاهر می‌دیدند و حس می‌کردند لذا به تأثیر بت‌ها در زندگی خویش ایمان داشتند اما به ربوبیت خدای غیر مادی ایمان نداشتند. (جاثیه (۴۵): ۲۴) و جهل باعث شده است آنان هیچ دلیلی بر انکار خدا [به غیر از عدم رویت خدا] نداشته باشند. (طباطبایی، ۱۳۷۳: ۱۸/۱۷۵) حس گرایی، کوتاه بینی، عدم دوراندیشی، تک بعدی نگری و... از موانع بیداری انسان است قرآن کریم می‌خواهد انسان‌ها را از خواب جهل و غفلت بیدار کند. مسلمانان هر زمان غافل شدند و خواب ماندند از دشمن شکست خوردند. (امام خمینی، ۱۳۸۹: ۱۳/۵۳۴ و ۱۰/۲۴۳). در ادامه تحلیل آیه ۱۶ سوره رعد به شرح ذیل است: ۱. استدلال بر یکتایی خداوند: آیه با پرسشی که «چه کسی پروردگار آسمانها و زمین است؟» به دنبال تأکید بر این است که تنها پاسخ صحیح «الله» است. دلیل این پاسخ صریح و دفعی عظمت خلقت زمین و آسمان‌ها است و انسان را تسلیم یک پاسخ بدیهی می‌کند و الله، ذاتی است جامع تمامی کمالات و پیراسته از همه کاستی‌ها (طباطبایی، ۱۴۱۹: ۱۶). ۲. انکار شرک و بی‌قدرتی اولیاء دروغین: در ادامه، مخاطبان به چالش کشیده می‌شوند که چرا به جای خداوند یگانه، اولیاء (سرپرستان) دیگری را انتخاب کرده‌اند که حتی برای خودشان توانایی نفع رساندن یا ضرر رساندن ندارند. و برای جامعه اسلامی بتی بدتر از فکرهای غلط و التقاطی دانشمندان غربی نیست اگر انسان از اسارت آن افکار آزاد نشود هم خود را و هم جامعه را به تباهی می‌کشد (مطهری، ۱۳۹۰: ۲۴/۱۲۱). ۳. مقایسه‌های تأمل‌برانگیز: سپس با مقایسه‌های نابینا و بینا، ظلمت و نور، می‌خواهد نشان دهند که دو حالت متضاد نمی‌توانند برابر باشند. به طور مشابه، بت‌پرستی و یکتاپرستی نیز برابر نیستند و تنها خداوند یگانه قابل پرستش است. انسان عاقل با اندیشه در دو گروه در می‌یابد که بر خلاف بت‌پرستی، رستگاری و سعادت سرنوشت محتوم یکتاپرستی است. ۴. نقد و انکار شرک: در ادامه مخاطبان به این فکر فراخوانده می‌شوند که آیا معبودهای دروغین توانسته‌اند همانند خداوند چیزی خلق کنند که آنها را در اشتباه بیندازد؟ پاسخ به این سؤال واضح است که هیچ کس قادر به خلق چیزی مثل خداوند نیست و این بیانگر عدم وجود شریک برای خداوند است. جامعه ای دچار خواب غفلت نخواهد شد که جامعه توحیدی باشد. ۵. نقش سازندگی و رشد عقل در رابطه میان امام و اُمت: آیه با بیانی ساده و استدلال‌های قوی، به توحید خداوند تأکید می‌کند و باید گفت که پیروی از انبیاء هم موجب رشد عقل می‌شود زیرا ایشان فرستاده خدا بودند و از جانب خویش سخنی نداشتند و در امتداد انبیاء و ائمه (ع)، باورمندی به حکومت صالحان و پیروی از ایشان با دید حداقلی اگر موجب رشد عقل نشود موجب کاهش عقل نخواهد شد. امروزه استعمارگران با مکاتب دروغین که بسان بت‌های بت‌پرستان می‌مانند تلاش می‌کنند که نسل‌های مسلمانان را شیفته این مکاتب کنند تا در پی این شیفتگی از سنت‌های الهی خویش دست بکشند و روشن‌فکران غربگرا زمینه را برای استعمار

غرب فراهم کنند. امام و رهبر جامعه وظیفه دارد دسیسه های شوم دشمن را تبیین کند و بر داشته های الهی مسلمانان تأکید بورزد تا مسلمانان ذیل این آگاهی رشد کنند (امام خمینی، ۱۳۸۹: ۱۵۲/۱۹).

۳، ۲، ۴. تکامل عقل:

گام دیگر در سطح روئینایی تربیت عقل در قرآن که هدف غایی نیز هست تکامل آن است [مراد تکامل نسبی است] که از مهمترین ویژگیهای آن شاهد و ناظر بودن خدا (نساء (۴): ۵۸) و (فصلت (۴۱): ۴۰) باور به جدی بودن وعده و وعید خداوند است (مانند (۵): ۹) و (توبه (۹): ۶۸)، یعنی کسی که اطمینان قلبی به «شاهدیت خدا» و «معاد» دارد و همواره در همه امور خود حتی خطورات فکر و اندیشه خداوند را شاهد می داند به این درجه عقلی رسیده است. یکی از آیات قرآن که شاهدی بر مدعای ماست بدین شرح است: «وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَ لَهْوٌ وَ لَلْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ؟» زندگی دنیا، چیزی جز بازی و سرگرمی نیست! و سرای آخرت، برای آنها که پرهیزگارند، بهتر است! آیا نمی اندیشید» (انعام (۶): ۳۲). این زندگی مادی دنیوی چیزی جز یک رشته عقاید اعتباری و غرض های وهم گونه نیست و در مقابل سرای آخرت حیاتی است حقیقی و ثابت، لذا خداوند که خیرخواه است می فرماید: آخرت برای پرهیزگاران بهتر است. (طباطبایی، ۱۳۷۳: ۵۷/۷) حال اگر عقل کامل باشد حاضر است آخرت را با دنیا عوض کند؟. در ادامه تحلیل آیه بدین شرح است: ۱. حیات دنیا بازیچه و سرگرمی است: در این آیه، خداوند به مقایسه دنیا و آخرت می پردازد و دنیا را به «لعب» و «لهو» تشبیه می کند. «لعب» به معنای بازی و «لهو» به معنای سرگرمی و خوشگذرانی است. این تشبیه نشان می دهد که دنیا، مانند یک بازی یا سرگرمی، زودگذر و بی ارزش است. دنیا نباید فریمان دهد، نباید تمام تمرکز و تلاشمان را صرف دنیا و لذایذ آن کنیم، چرا که این دنیا پایدار نیست و دیر یا زود به پایان می رسد. آخرت برای پرهیزکاران بهتر است. ۲. فراخوان به تعقل: خداوند انسان را به تعقل و تفکر در مورد این موضوع وا می دارد تا پوچی دنیا و ارزش واقعی آخرت را درک کند. انسان موجودی عاقل است و می تواند با تفکر در دنیا و آخرت، درک کند که هدف اصلی زندگی چیست و چگونه باید برای رسیدن به آن تلاش کند. در تحولات اجتماعی و سیاسی نیز ملتی که آگاهی از سر اندیشه دارند پیروز می شوند و بیداری اسلامی بر پایه اندیشه ورزی اُمّت است. اساس دین ما نیز بر تفکر است و تفکر را عبادت می داند. (مطهری، ۱۳۹۰: ۶۶/۲). ۳. انسان علاوه بر اینکه نباید خودش به این دنیا دل ببندد دنباله رو دل بستگان به این دنیا باشد که قطعاً پیروی طاغوت محکوم به شرّ و بد عاقبتی است. قرآن کریم پیروی از طاغوت را به مثابه هلاکت ابدی در جهنم می داند (بقره (۲): ۲۵۷)، رهبر جامعه اگر عقل خودش کامل باشد در جهت تکامل عقل اُمّت قدم بر می دارد او مردم را به راه انبیاء فرا می خواند نه راه طاغوت. (امام خمینی، ۱۳۸۹: ۲۴۰/۷) امام جامعه باید به تبعیت از قرآن به تعقل دعوت کند. (مومنون (۲۳): ۸۰) زیرا جهل اُمّت بزرگترین دستاویز و ابزار غلبه طاغوت بر ایشان است.

۳، ۴، ۳. سطح میانی الگوی تربیت عقل

سطح میانی تشکیل شده از یک نماد است که در وسط نمودار قرار می گیرد.

۱، ۳، ۴. جهت دهی و تنویر عقل:

مطابق با قرآن باید تلاش شود به عقل و اندیشه جهت دهیم عقل هنگامی که از مقصد و خطرات مسیر آگاهی پیدا کند حق و باطل برایش روشن می شود و در روشنایی بهترین تصمیم را می گیرد. مانند مقایسه میان: مومن و کافر (هود (۱۱): ۲۴)؛ بهشت و جهنم (صافات (۳۷): ۴۳-۶۸)؛ جاودانگی سرای آخرت و فانی بودن دنیا (غافر (۴۰): ۳۹-۴۰) و مقایسه خیر و شرّ (زلزال (۹۹): ۷-۸) ، اقامه نماز و پرداخت زکات (بقره (۲): ۴۳)، معرفی دشمنان انبیاء و صفات دشمنان (انعام (۶): ۳۴) و (ابراهیم (۱۴): ۹). یکی از آیات «جهت دهی و تنویر عقل» آیه «أَفَمَنْ اتَّبَعَ رِضْوَانَ اللَّهِ كَمَنْ بَاءَ بِسَخَطٍ مِنَ اللَّهِ وَ مَاوَاهُ جَهَنَّمَ وَ بئسَ الْمَصِيرُ؛ آیا کسی که از رضای خدا پیروی کرده، همانند کسی است که به خشم و غضب خدا بازگشته؟ و جایگاه او جهنم، و پایان کار او بسیار بد است.» (آل عمران (۳): ۱۶۲) مراد خدا در این آیه این است که اهل بهشت همه با هم مساوی نیستند و اهل دوزخ نیز همه با هم مساوی

نیستند، خدا بصیر به اعمال است، و می‌داند هر کسی در چه درجه‌ای از پیروی سخط و یا رضای او است. (طباطبایی، ۱۳۷۳: ۸۸/۴) در ادامه تحلیل آیه: ۱. تبیین معیارهای اخلاقی و ارزشی: این آیه به وضوح معیارهایی را برای رفتار انسان مشخص می‌کند، جستجوی رضایت الهی و دوری از اعمالی که باعث غضب الهی می‌شوند. هر اجتماع انسانی نیاز به اخلاق دارد و تعیین‌کننده معیارهای اخلاقی در جامعه اسلامی خداوند است (مطهری، ۱۳۹۰: ۱۹۶/۲۱) و مسلمانان باید به آن معیارها پایبند باشند تا رشد کنند. بیداری اسلامی در امتداد بیداری اخلاقی است. ۲. تشویق به تفکر و تأمل: این آیه با مقایسه بین دو نوع سرنوشت، فرد را به تأمل و تفکر در مورد اعمال و نتایج آنها دعوت می‌کند. تربیت عقل نیازمند تأمل و بررسی عواقب رفتارها و تصمیم‌هاست. این آیه با ارائه یک مقایسه واضح، به تقویت این نوع از تفکر و تأمل کمک می‌کند و باعث نورانی شدن عقل نیز می‌گردد. ۳. مسئولیت‌پذیری: آگاهی از اینکه انتخاب‌ها و رفتارها می‌توانند نتایج جدی داشته باشند، به تقویت حس مسئولیت‌پذیری کمک می‌کند و باعث نورانی شدن عقل می‌گردد. در جامعه اسلامی نیز چنین است انتخابات‌ها و انتخاب‌ها حیاتی و سرنوشت‌ساز هستند و اساساً اگر تاریخ رو به تکامل رفته بدلیل انتخاب‌های گذشتگان بوده است و اگر ما انتخاب نکنیم و یا انتخاب صحیح و آگاهانه نکنیم مورد ملامت آیندگان قرار خواهیم گرفت. باید مسئولیت خودمان را درک کرده و بپذیریم. (همان: ۵۱۳/۲۵). ۴. دوراندیشی: این آیه با تأکید بر سرنوشت‌نهایی (بهشت و جهنم)، به فرد می‌آموزد که در تصمیم‌گیری‌ها نه تنها به نتایج کوتاه‌مدت، بلکه به نتایج بلندمدت نیز توجه کند. مثلاً جایی که دشمن حمله کرده است اگر فقط مصلحت امروز خود و فرزندانت را ببیند و با خودخواهی ترک جهاد کند ذلت، اسارت، بر باد رفتن ارزشهای اسلامی و انسانی و نیز همه چیزهایی که خوف از دست دادن آن را داشته از دست خواهد داد. (امام خمینی، ۱۳۸۹: ۳۱۲/۲۰). ۵. نقش جهت‌دهی و تنویر عقل بر رابطه امام و اُمت: آگاهی اصول یاد شده می‌تواند فرد را در تصمیم‌گیری‌های اخلاقی و عقلانی هدایت کند و به تربیت عقل او کمک کند. به نظر می‌رسد که آیه شریفه بدنبال نورانی شدن عقل است که ما را به سمت پیدا کردن مسیر سوق دهد و نیز آیه به روشن‌سازی مسیر رضایت‌خداوند و خشم خداوند پرداخته است. لذا رهبر نهضت یا امام اُمت باید تمامی معیارهای اخلاقی و ضرورت تفکر را برای مردم تبیین و ایشان را برای عمل به آنان تشویق کند. اگر مردم متخلق به اخلاق اسلامی گردند و عامل به احکام و شریعت اسلام شوند و قوه مُدرکه و محرکه ایشان به درستی جهت‌دهی شود ناخودآگاه نور ایمان و تقوا عقل آنان را بگونه‌ای روشن می‌کند که خود آن عقل تبدیل به نورافکنی برای تمییز و تشخیص حق از باطل می‌گردد و به نظر می‌رسد مطابق با آیه ۲۵۷ سوره بقره وسیله‌ای که انسان را از ظلمات به سمت نور هدایت می‌کند عقل است. در چنین جامعه‌ای بیداری اسلامی رخ می‌دهد و مسلمانان دچار عوامل شکست و اضمحلال خویش مثل: غفلت از سیاست‌ورزی (امام خمینی، ۱۳۸۹: ۸۹/۱۸)، غفلت از توطئه‌ها (همان: ۱۰۶/۱۲)، خود کم‌بینی و عدم باورمندی (همان: ۳۰۷/۱۴)، سلطه‌پذیری (همان: ۵۴/۱۸) و ابستگی (همان: ۳۰۸/۱۴) و ... نمی‌شوند.

۴، ۴. سطح زیرین الگوی تربیت عقل

سطح زیرین تشکیل شده از یک نماد است که در پایین‌ترین جای نمودار قرار می‌گیرد.

۴، ۴، ۱. مدار حق یابی عقل:

عقل ذاتاً حق طلب است و در قرآن کوشش شده تا عقل بشر به سمت جریان حق سوق داده شود. مانند: اثبات عظمت پروردگار (بقره (۲): ۱۲۹ و ۲۰۹ و ۲۲۰ و ۲۲۸ و ۲۴۰) و معرفی صفات ثبوتی و سلبی حضرت باری تعالی (اعراف (۷): ۱۸۰) و (شوری (۴۲): ۱۱) و (اخلاص (۱۱۲): ۴) معرفی جریان حق شامل انبیاء و انسان‌های پرهیزکار (صافات (۳۷): ۱۷۱-۱۷۳) و جریان مقابل آن، مشاهده انگیزه و سرنوشت کافر و در مجموع جریان حق و باطل (بقره (۲): ۶-۹ و ۱۴)، و ... یکی از آیات که درباره «مدار حق یابی عقل» است: «أَفَجَعَلُ الْمُؤْمِنِينَ كَالْمُجْرِمِينَ مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ؟ آیا مؤمنان را همچون مجرمان قرار می‌دهیم؟ شما را چه می‌شود؟ چگونه داوری می‌کنید» (قلم (۶۸): ۳۵-۳۶)، از نظر عقل نیکوکاری پسندیده و تبهکاری مذموم است و برخورد یکسان با نیکوکاران و بدکاران عادلانه نیست. در این آیه شریفه خداوند قصد دارد بفرماید که نه تنها به خاطر اعمال متفاوت، مسلمین با مجرمین برابر

نیستند که علت دیگر عدم برابری احترام و کرامتی است که خدا برای مومنین قائل شده است. (طباطبایی، ۱۳۷۳: ۳۸۱/۱۹) لذا عقل سلیم که ذاتاً حق طلب است با دیدن مومنین و سرنوشت ایشان و احترامی که خدا برای ایشان قائل است به سمت ایشان گرایش پیدا می‌کند. و در این آیه تحلیل بدین شرح است: ۱. تفکیک و تمایز بین افراد بر اساس اعمالشان: آیه به وضوح تفاوت بین مسلمانان (کسانی که تسلیم خداوند هستند) و مجرمان (کسانی که مرتکب گناه می‌شوند) را نشان می‌دهد. انسان با دیدن نتیجه اعمال انسانها و داوری نسبت به سرنوشت آنها به سمت حق گرایش پیدا می‌کند. در تحولات سیاسی اجتماعی نیز چنین است انسان با دیدن اعمال و رفتار و سرنوشت حاکمان فاسق و ناصالح پی به بی‌لیاقتی آنان و عدم صلاحیت حکومت بر مردم می‌برد. ۲. تأمل در حکم و قضاوت: عبارت «ما لکم کَیْفَ تَحْكُمُونَ» به تأمل و بررسی دقیق در مورد قضاوت‌ها و تصمیمات اشاره دارد. این آیه به تقویت این مهارت کمک می‌کند که انسان باید بعد از ارزیابی دقیق، رأی به حقانیت سخن یا فعل یا جریان حق بدهد. آیه بر تمایز بین مسلمانان و مجرمان تأکید دارد، درک تفاوت بین اعمال نیک و بد و شناخت ارزش‌ها و ضدا ارزش‌ها به تربیت عقل کمک می‌کند. ۳. تفکر انتقادی و تحلیل: توسعه تفکر انتقادی و توانایی تحلیل منطقی با پرسش «ما لکم کَیْفَ تَحْكُمُونَ»، آیه اشاره دارد افراد قبل از هر گونه قضاوت و تصمیم‌گیری، به تحلیل و بررسی دقیق موضوعات بپردازند. و قضاوت‌های مسلمانان نباید سطحی و بدون تحلیل باشد. ۴. عدالت و انصاف: آیه با تأکید بر این که نباید مسلمانان و مجرمان را یکسان دانست، آیه بر اهمیت عدالت و انصاف در قضاوت تأکید می‌کند. تربیت عقل شامل پرورش حس عدالت و انصاف است تا افراد بتوانند تصمیمات و قضاوت‌های منصفانه‌تری بگیرند. در جامعه نیز عدالت خواهی و عدالت جویی باید موج بزند. و در اسلام عدالت خواهی در راستای خداخواهی و اسلام خواهی است. (مطهری، ۱۳۹۰: ۱۸۵/۲۴). تاثیر حق یابی عقل بر رابطه امام و امت: این آیه به موارد مهمی اشاره دارد که همگی از جوانب اساسی تربیت عقل هستند و رهبر جامعه باید تمامی این عناصر را به جامعه تزریق کند تا مسلمانان همواره حق را تشخیص دهند و به سمت حق سوق پیدا کنند عدالت طلبی و حق طلبی از شاخص‌ترین فضیلت‌های اسلام و مسلمانان است تا جایی که رسول خدا (ص) در معرفی شخصیت امیرالمومنین علی (ع) جانشین خود، او را عین حق می‌داند: «أَنْتَ مَعَ الْحَقِّ وَالْحَقُّ مَعَكَ» (برقی، ۱۳۷۱: ۱۷/۱) آیه به داوری صحیح و حق یابی عقل انسان اشاره دارد. جامعه اسلامی نیز باید چنین باشد امام خمینی (ره) معتقد است: «شیعه از ابتدا برای تحقق حکومت حق مبارزه کرده است». (امام خمینی، ۱۳۸۹: ۱۶۰/۴) در تحولات جامعه نیز مسلمانان باید به اخبار صحیح و تحلیل‌های دلسوزانه از وقایع مختلف آگاهی داشته باشند و امام جامعه باید مسائل مختلف را برای امت تبیین کند. دشمنان اسلام که علاقه به خواب غفلت مسلمانان دارند از هیچ تلاشی برای مبارزه با حق طلبی مسلمانان فرونگذاشته و نخواهند گذاشت. (همان: ۴۶۳/۱۵)

نتیجه‌گیری:

مطابق با نمودار شماره ۱، همه نمادهای سطح روبنایی با یکدیگر رابطه‌ای دوسویه دارد و نیز «سازندگی و رشد عقل» با «تکامل عقل» رابطه دوسویه دارند یعنی هر کدام از این عناصر بدون در نظر گرفتن یکدیگر به تنهایی قابل عرضه نیستند، نمی‌توان عقل را از قیود بیماری و مرگ رها کرد در حالی که برای سازندگی و رشد آن و تکامل آن تلاش نکرد و بالعکس. در واقع تکامل عقل نتیجه و دنباله‌رهایی و رشد و سازندگی عقل است. مربی برای متربی و امام برای امت باید برای تجلی هر سه عنصر همزمان تلاش کند و نباید به یکی بها و از دیگری غافل شود که غرض تربیت عقل حاصل نخواهد شد. اگر امام یا رهبر نهضت در این امر مهم موفق شود مهمترین گام در جهت بیداری اسلامی برداشته شده است. بر اساس ماتریس شماره ۱ (خود تعامل ساختاری) تنها نماد سطح میانی یعنی جهت دهی و تویر عقل با هر سه نماد سطح روبنایی ارتباط دوسویه دارد. یعنی هر کدام «بر» و «از» دیگری تأثیر می‌گذارد و می‌پذیرد. مربی یا رهبر جامعه باید زمینه تشخیص حق و باطل را برای متربی و مسلمانان فراهم کند تا آنان آگاهانه راه را از چاه تشخیص داده و با آگاهی کامل به سمت حق سوق پیدا کنند زیرا در فضای شبهات و فتنه‌ها آنچه‌چنان غبار آلودگی وجود دارد که

ممکن است عده ای به اشتباه بیفتند. مطابق با نمودار شماره ۱ (خود تعامل ساختاری) که نظر نخبگان است نماد سطح زیرین یعنی جهت دهمی و تنویر عقل بر نماد سطح میانی رابطه یک سویه دارد یعنی اثر می گذارد اما اثر نمی پذیرد. یعنی حق طلبی و حق یابی و داوری به حق تاثیر می گذارد بر عقل تا روشن شود و از روشنایی عقل انسان حق را از باطل تشخیص دهد. که این نشان از اهمیت حق یابی است و رهبر جامعه باید اولویتش را برای اصلاح جامعه در جهت نیل به بیداری مسلمانان بنا بر حق طلبی ایشان بگذارد که تا زمانی مسلمانان حق طلب نشوند به سمت دیگر عناصر تکامل خرد فردی و خرد جمعی خویش گام بر نخواهند داشت.

منابع:

قرآن کریم.

۱. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۹۰). ترجمه قرآن کریم، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، قم.
۲. ابن درید، محمد بن حسن، (۱۹۸۷). *جمهره اللغه*، دار العلم للملایین، بیروت.
۳. ابن فارس، احمد، (۱۳۹۹ق). *معجم مقاییس اللغه*، دارالفکر، بیروت.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*، دار صادر، بیروت.
۵. اسدآبادی، سیدجمال، (۱۳۷۹). *نامه‌ها و اسناد سیاسی*، مکتبه الشروق، تهران.
۶. اعرافی، علیرضا، (۱۳۸۸). *فقه تربیتی*، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم.
۷. برقی، احمد بن محمد بن خالد، (۱۳۷۹ق). *المحاسن*، دار الکتب الإسلامیه، قم.
۸. جوهری، ابونصر، (۱۴۰۷ق). *الصحاح*، دار العلم للملایین، بیروت.
۹. خمینی، سید روح الله (امام خمینی)، (۱۳۶۳). *کتاب السبع*، انتشارات اسماعیلیان، قم.
۱۰. خمینی، سید روح الله (امام خمینی)، (۱۳۸۹). *صحیفه امام خمینی (ره)*، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، تهران.
۱۱. خمینی، سید روح الله (امام خمینی)، (۱۴۰۹). *ولایت فقیه (حکومت اسلامی)*، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، تهران.
۱۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ق). *مفردات فی غریب القرآن*، دار القلم، الدار الشامیه - دمشق و بیروت.
۱۳. زبیدی، مرتضی، (۱۴۱۴ق). *تاج العروس من جواهر القاموس*، دار الفکر، بیروت.
۱۴. سید رضی، محمد بن حسین، (۱۳۷۹). *نهج البلاغه*، ترجمه و تصحیح: دشتی، محمد، نشر مشهور، قم.
۱۵. صلیبا، جمیل، (۱۳۶۶). *فرهنگ فلسفی*، ترجمه منوچهر صانعی، نشر حکمت، تهران.
۱۶. طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۳۷۳). *المیزان*، منشورات اسماعیلیان، ایران.
۱۷. طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۴۱۹). *الرسائل التوحیدیة*، مؤسسه النعمان، بیروت.
۱۸. فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۰۸ق). *کتاب العین*، محقق: مهدی المخزومی، *ابراهیم السامرائی*، دار و مکتبه الهلال، بی جا.
۱۹. مطهری، مرتضی، (۱۳۸۹). *مجموعه آثار*، صدرا، تهران.
۲۰. ابراهیمی کیاپی، هادی، آرابی، وحید، و جمالی، جواد. (۱۴۰۳). نقش رهبری «امامین انقلاب» در حفظ و تداوم انقلاب اسلامی ایران. *فصلنامه علمی مطالعات بیداری اسلامی*، ۱۳(۱)، ۸۳-۹۵.
۲۱. حسینی رامشه، سید سعید، سروریان، حمید رضا. (۱۴۰۰). تکریم سادات و کارکرد آن در بیداری اسلامی. *فصلنامه علمی مطالعات بیداری اسلامی*، ۱۰(۱)، ۵۳-۷۶.

۲۲. حسینی علایی، فاطمه؛ فتحی اکبرآبادی، جواد؛ جلالی شوره‌دلی، زهرا، (پاییز و زمستان ۱۴۰۰). «واکاوی معنای واژه «تربیت» و ردّ نظرات مخالف آن»، *اسلام و پژوهش‌های تربیتی*، سال سیزدهم، شماره دوم، پیاپی ۲۶، ص ۴۳-۵۶.
23. Sage, A. P. (۱۹۷۷). Interpretive Structural Modeling: Methodology for Large-Scale Systems. *IEEE Transactions on Systems, Man, and Cybernetics*, SMC-۷(۲), ۱۰۹-۱۲۵.
24. Warfield, J. N. (۱۹۷۴). *Structuring Complex Systems*. Columbus, Ohio: Battelle Memorial Institute.
25. Warfield, J. N. (۱۹۹۴). *A Science of Generic Design: Managing Complexity through Systems Design*. Iowa State Press.